

ای تام تو بهترین سرآغاز

موسیقی رسمی ایران در فاصله سالهای ۱۳۰۰ تا ۱۳۳۰ شمسی را تشکیل می دهد.

ج- منابع اصلی سه کتاب اول، عمدتاً منابع شفاهی و شنیده ها و در بخشهایی دیده ها و قضاوتهای نگارندگان است. وجه برجسته "سرگذشت موسیقی"، استفاده از عکسهای فراوان می باشد در حالیکه در "تاریخ موسیقی"، تعدد و تنوع منابعی است که مشحون، اطلاعاتشان را اخذ و ثبت کرده است. در آثار سپتتا داده های تازه از منابع مکتوب چون فهرستها و کاتالوگهای کمپانیهای ضبط صفحه و پژوهشهای صداشناسی، وجه بدیع و برجسته می باشد. موضوع منبع شناسی برای "دیوان" امیرجاهد نیز اساساً منتفی و فاقد موضوعیت است.

د- آثار یادشده کمتر متوجه تاریخ نگاری هستند و به همین دلیل هر داده ای همراه با قضاوتی است که برمبنای نظر و باور نویسنده شکل گرفته است. شاید بتوان "تاریخ موسیقی" و "تاریخ تحول" را مستثنی دانست که علت آن درگبر نبودن مشحون به عنوان موسیقیدان در جریانهای موسیقی خویش، وی را در موضع استقلال و اعتدال حفظ کرده و امکان ایفای نقش مورخ را برای وی فراهم ساخته و از سوی دیگر علاوه بر آنچه ذکر شد، سپتتا تاریخی تکنولوژیک را روایت می کند که به دلیل الزامات صنعتی و اقتصادی، بخش اعظم فرآیند آن، ناگزیر از مستندسازی و ایجاد و حفظ اسناد و مدارک می باشد.

با توجه به آنچه ذکر شد باید تلاش پژوهشگران تاریخ معاصر موسیقی متوجه ابعاد روشن شده از این امر بوده و محدوده در پرده مانده را مشخص و کوششی گسترده را برای کشف و نقل آن برعهده گیرند.

نگارنده را باور آنست که اگرچه جناب میرزا حسینقلی نابغه ای تکرارنشدنی است اما تمام موسیقی عصر

زوایای پنهان

در

تاریخ معاصر موسیقی ایران

منابع اصلی تاریخ معاصر موسیقی ایران که در پژوهشهای امروز مورد توجه و استناد قرار می گیرند، در دهه ۱۳۳۰ شمسی تالیف شده و یا مطالب آنها در آن هنگام گردآوری و در دهه های بعد، انتشار یافته اند. این منابع عبارتند از:

- ۱- دیوان امیر جاهد
- ۲- سرگذشت موسیقی ایران اثر روح الله خالقی
- ۳- تاریخ موسیقی ایران اثر حسن مشحون
- ۴- چشم انداز موسیقی ایران اثر ساسان سپتتا
- ۵- تاریخ تحول ضبط موسیقی در ایران اثر ساسان سپتتا

برای آن که اندازه انعکاس هویت و فعالیت مکاتب و جریانهای موسیقی در منابع یادشده معلوم گردد، توجه به مآخذ و منابع مولف، نحوه گردآوری و مستندسازی آنها، متدولوژی ممیزی و بررسی و شیوه ارائه نتایج، اهمیت ویژه ای دارد. با مرور در آثار یادشده، ملاحظات گوناگونی پیرامون آنها بذهن می رسد:

الف- هیچیک از رجال صاحب همت فوق که این منابع گرانها را برای نسل آتی به یادگار گذاشتند، از هنرمندان عصر ناصری و مظفری نیستند بلکه چهره هایی هستند که پس از سال ۱۳۰۰ شمسی در عرصه اجتماعی هنر و ادب نقش آفرینی می کنند.

ب- هر چهار نفر در اساس، تقریباً دارای یک ذائقه و سلیقه موسیقایی می باشند که وجه غالب و مسلط بر

ساختند و گرنه معلوم نبود مورخین تاریخ معاصر موسیقی، وی را نیز در بوته فراموشی رها نکنند. در توجه به موسیقی زنان عصر قاجار تا پایان دهه ۱۳۲۰ شمسی، سانسور خواسته یا ناخواسته شدیدتر است. اگر قمر، ملوک ضرابی، پروانه و روح انگیز را استثنا کنیم، تا انتشار آثار سپینتا حتی نامی از بالغ بر ۴۰ زن هنرمند این دوره ثبت نشده، حال چه انتظاری می توان داشت که احوال و آثار ایشان مورد بررسی قرار گرفته باشد.

برای عضویت در گروه صفحه ایرانی به
safteh_irani@yahoo.com
 مراجعه کنید و برای کسب اطلاع از دیسکوگرافی
 فارسی و تاریخ صفحه در ایران به سایت
www.persiandiscography.com

آنچه این دیباچه مطمح نظر قرار داده تاکید بر این حقیقت است که زمان بسرعت درگذر است و اهل تاریخ و پژوهشگران تاریخ موسیقی دامن همت بر کمر زنند تا هم آنچه در این ایام می گذرد و تاریخ فردا خواهد بود، به گونه ای علمی مستندسازی شود و هم هرآنچه از گذشته نه چندان دور قابل احیا و احصاست مورد توجه و فحوص بلیغ قرار گیرد.
 امیر منصور

اگر علاقمند به مشارکت در پژوهشهای دیسکوگرافی و تاریخ موسیقی یا نشر مقالات خود از طریق

صفحه سنگی

می باشید با نشانی

Pd.am78@gmail.com

مکاتبه فرمایید

ناصری و مظفری، محدود و منحصر به جناب میرزا و میرزا عبدالله و خانواده ایشان نیست. اگرچه به دلایل گوناگون، مدرسه عالی موسیقی تأثیری شگرف بر موسیقی دهه های پس از تاسیس خود داشته، اما همه موسیقی ایران در این دوران نبوده است.

همواره این تاسف باقی است که چرا برغم انتشار کتب یادشده و مجلات متعدد موسیقی، مجموع اطلاعات بهجامانده از شخصیتی تأثیرگذار در موسیقی ایران چون علی خان نایب السلطنه، بیش از دو پارگراف نمی شود. آیا امثال حسن خان لحنی که در سال ۱۲۸۴ شمسی و در زمانی که هنوز بسیاری از چهره ها و رجال موسیقی بعدی هنوز متولد نشده اند، بعنوان خواننده ای قابل اعتنا صفحه پرکرده و عمری طولانی نیز نموده، نمی بایست در روایت تاریخ معاصر موسیقی ایران، مورد توجه قرارگیرد؟

آیا عبدالله خان حجازی همین اندازه اهمیت دارد که تنها در پاورقی یا زاویه ای از تاریخ موسیقی مشحون نام وی به عنوان استاد قوامی ثبت شود و شاید کنکاش در شناخت نقش خانواده حجازی اعم از ارفع الملک تا ناصرعلیخان و تا اسدالله خان در موسیقی ایران و استخراج نسبتهای خانوادگی محتمل بین ایشان، کشف خاندان هنر دیگری را نوید می داد که مردان و احتمالا بانوان متعددی را دربر می گرفت؟

آیا بقای رضاقلیخان نوروژی و جمال صفوی که از شاخصترین چهره های اجرای تصانیف هستند و حلقه واسطه و انتقال دهنده بخش اعظم تصانیف گذشته به نسل بعد بوده اند، در محاق فراموشی و عدم توجه تاریخی، امری طبیعی جلوه می کند؟

بنظر می رسد که باقی ماندن احوال و آثار عارف را مدیون دعوی بین شاعری و تصنیف سازی هستیم و همت مشوقین عارف که وی را به تدوین دیوان مجاب